

بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آن در خاورمیانه

سیدروح اله موسوی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع)

چکیده

این نوشته بر آن است تا سیر بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی بر تشدید آن در خاورمیانه را در قالب نظریه پخش تبیین نماید. در این راستا جوامع اسلامی در واکنش به حمله ناپلئون به مصر و آغاز استعمار غرب علیه جهان اسلام سه رویکرد از خود بروز دادند که عبارت بودند از: ۱- غرب گرایی ۲- ملی گرایی ۳- اسلام گرایی. اما ما در اینجا اسلام گرایی یا همان بیداری اسلامی را به سه مرحله تقسیم نمودیم که عبارتند از: ۱- مرحله فریادگری بیداری اسلامی (تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) ۲- مرحله عمل گرایی بیداری اسلامی (دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران) ۳- مرحله گسترش و نفوذ بیداری اسلامی (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون)، در این بین به ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران اشاره کرده و تأثیر آن بر تشدید روند بیداری اسلامی را بیان نمودیم و تأثیر ایده های این انقلاب را از طریق نظریه پخش مورد بررسی قرار دادیم.

کلمات کلیدی: بیداری اسلامی - انقلاب اسلامی ایران - خاورمیانه - نظریه پخش

با توجه به اینکه منطقه خاورمیانه از دیرباز تا کنون به دلیل اهمیت فوق العاده آن، کانون تحولات بزرگ و زیادی بوده است، و در دهه اخیر نیز این تحولات به شکل گسترده تر و فراگیرتر نمایان گردیده است، در این نوشته برآنیم تا با ذکر سیر تاریخی بیداری اسلامی، تاثیر انقلاب اسلامی ایران را بر تشدید تحولات بیداری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. در اینجا این مهم را از طریق چارچوب نظری پخش پی گرفته ایم.

۲

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که بیان نماییم چه نسبتی بین بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟ از جمله مفروضات این تحقیق اینست که انقلاب اسلامی ایران به عنوان مبدا پخش تحولات بیداری اسلامی می باشد. کشورهای اسلامی در مسیر تغییر و تحول می باشند و این تحولات از عوامل محیطی خارجی بویژه انقلاب اسلامی ایران متأثر می باشد. مردم در این منطقه به عنوان بازیگرانی قدرتمند صحنه تحولات را به دست گرفته اند و به دنبال ایجاد یک حکومت دموکراتیک بر اساس آموزه های اسلامی و عدم وابستگی و استقلال ملی می باشند در حالیکه تا قبل از این هیچ بهره ای از قدرت نداشتند.

الف: چارچوب نظری تحقیق (نظریه پخش)

نظریه پخش یا اشاعه یکی از نظریه های رایج در باب چگونگی انتشار نوآوری ها و گسترش ایده ها و اندیشه هاست... این نظریه در سال ۱۹۵۳م از سوی هاگر استرند، جغرافیدان سوئدی، ابداع و عرضه شد... هر چند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده های کشاورزی و شیوع بیماریها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه های فرهنگی نیز تسری یافت...

پخش فضایی: مفهوم دیگر مرتبط با نظریه پخش، پخش فضایی است، و آن فرایندی است که طی آن، نگرش و رفتار مردم تغییر می یابد. پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانونهای اصلی در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده اند. بنابراین، در پخش فضایی دو موضوع را می توان از یکدیگر متمایز ساخت: الف) وجود پدیده یا پدیده ها، ب) امر گسترش حرکت پدیده از خاستگاه اصلی خود، که پخش فضایی را موجب می شود. این پدیده، ممکن است یک شیوه رفتار، عقاید خاص سیاسی، اجتماعی، یا یک امر مادی نظیر رواج مد لباس و یک نوع کالای ویژه باشد...



شماره ۱۲

چند ویژگی عمده در پخش و وام گیری فرهنگی وجود دارد که عبارتند از:

اول، گزینشی بودن عمل وام گیری فرهنگی: هنگام برخورد دو فرهنگ، بعد از اثبات سودمندی و سازگاری، عناصر و اجزایی خاص به عاریت گرفته می شود. به طور مثال، انتظار نداریم شاهد اشاعه پرورش خوک از امریکا به عربستان باشیم، چون جمعیت مسلمان خوردن گوشت خوک را حرام می داند. بر اساس مطالعه راجرز، قبول یک نوآوری و سرعت پذیرش آن، تحت تاثیر متغیرهای پنجگانه زیر است: الف) تفوق آن نسبت به آنچه موجود است. ب) سازگاری داشتن با انگاره های فرهنگی موجود. پ) به سهولت شناخته شدن، ت) قابلیت آزمون پذیری به صورت تجربی، ث) مزایای آن برای تعداد نسبتا زیادی از مردم به روشنی قابل مشاهده باشد.

دوم، وام گیری فرهنگی جریانی دو طرفه است: چنین نیست که صرفا جوامع متمدن بر جوامع ابتدایی تاثیر گذارند.

سوم، اقلام وام گرفته شده غالبا پس از دست کاری در شکل اولیه، وارد فرهنگ جامعه مقصد می شوند: مثلا نوآوری ویژه پیتزا در ایتالیا پس از ورود به آمریکا مطابق با سلیقه و نیاز آنان دستکاری می شود.

چهارم، برخی ویژگی های فرهنگی آسانتر از ویژگیهای دیگر انتشار می یابند. نوآوریهای تکنولوژیک راحتتر از انگارههای اجتماعی و عقیدتی پذیرفته می شوند، زیرا درجه سودمندی و قابل استفاده بودن آنها را به سرعت می توان تشخیص داد. بطور مثال متقاعد کردن فرد برای استفاده از ماشین برای زودتر به مقصد رسیدن کاری دشوار نیست، لیکن ثابت شده است که بسیار دشوار است که شخص مسلمانی، هندو شود، یا بازرگانی آمریکایی از طبقه متوسط به پذیرش مسلک سوسیالیسم متقاعد گردد. این نکات ظریف در اشاعه فرهنگ و بسط تجارب قابل توجه است.

انواع پخش، هاگر استرند چند نوع پخش را تشخیص داده است:

۱. پخش جابجایی: پخش، یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. پخش جابجایی، زمانی رخ می دهد که افراد و گروههای دارای یک ایده مخصوص، بطور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوریها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی، اشاعه یافته اند... به نظر می رسد در

دوره‌های گذشته الگوی پخش غالب، پخش جابجایی بوده، اما با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، الگوی پخش جابجایی تا حدود بسیار زیادی کمرنگ شده است.

۲. پخش سلسله مراتبی: در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوریها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد... بنابراین نوآوریها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین تر منتشر می‌شود. برخی این پدیده را انتشار ریزشی نیز گفته‌اند، یعنی فرایندی که از مراکز بزرگتر و مهمتر به مراکز کوچکتر سرازیر می‌شوند. مثلاً در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد قبیله نیز تغییر دیانت می‌دادند. این مورد یکی از بهترین مثالهای پخش سلسله مراتبی است.

۳. پخش سرایتی یا واگیر دار: این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد، مانند اشاعه بیماریهای مسری، چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تاثیر فاصله قرار دارد. بنابراین افراد و نواحی نزدیک، نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند. (نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، پرتال جامع علوم انسانی، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۸، ۱۳۸۱، ابراهیم برزگر)

ب: سیر تاریخی بیداری اسلامی

بیداری (یقظه)، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) بکار می‌رود. درباره تعریف بیداری اسلامی، باید گفت که در بین اندیشمندان و پژوهشگران، وفاق وجود ندارد. آنچه در تعبیر بعضی از نوشته‌ها می‌توان یافت، اینست که از آن به اصلاح دینی و احیای دینی و اسلامی گرایان و مانند آن [تعبیر شده است که در عربی به "الصحوۃ الاسلامیة، البعث الاسلامی، التیار الاسلامی، الحركۃ الاسلامیة [و الیقظة الاسلامیة] نام برده می‌شود. (روح اله عباسی، بازگشت به اسلام ماهیت بیداری، چاپ اول، تهران، نشر دفتر علم، ۱۳۹۱، ص ۲۴) اگر چه تعریف مشخصی از مفهوم بیداری اسلامی تا کنون که متفق علیه اندیشمندان باشد صورت نگرفته لکن فهم درست بیداری اسلامی نیازمند آگاهی مناسبی از آموزه‌های اسلامی و درکی درونی از جامعه مسلمانان و انبوهی از پیوندها و عوامل است و با سنگ محک غربی و رویکردهای لیبرالی نمی‌توان

به فهم درستی از این مقوله رسید. سه مولفه اساسی بیداری اسلامی عبارتند از ۱-اسلامیت یا بازگشت به ارزشهای اسلام ۲-جمهوریت یا همان حضور مردم در صحنه جامعه و ۳-استکبار ستیزی.

بیداری اسلامی پدیده ای می باشد که همزمان با حرکت استعمارگرانه غرب از یک سو و عقب ماندگی مسلمانان در حوزه علمی از سوی دیگر توسط نخبگان جهان اسلام کلید زده شد و کم کم به توده های مردم در کشورهای اسلامی سرایت کرده است. رهبران این جریان دو هدف عمده را در این حرکت دنبال می نمودند که عبارتند از: ۱. بازگشت به اسلام و ۲. احیای ارزشهای اسلامی. ناگزیر در این مسیر بدلیل مخالفت آموزه های اسلامی با سلطه گری، استعمار و استثمار، ادامه این حرکت به تقابل با غرب انجامید چرا که غرب در راه سلطه بر کشورهای اسلامی این دین را مانع بزرگی بر سر راه خود تلقی می نمود. بنابراین از یک طرف بدلیل موانعی که غرب بر سر راه این جریان قرار داد و از طرف دیگر ماهیت خود این جریان (حرکت بیداری اسلامی) باعث شد که استکبار ستیزی بعنوان یکی از ارکان این حرکت شناخته شود. از این رو برای احیای ارزشهای اسلامی و همچنین مبارزه با استکبار و سلطه گری آن، حضور مردم و حمایت آنان از این حرکت نیازی مبرم بود.

در هر حال در واکنش به عقب افتادگی مسلمانان و پیشرفتهای اروپا و جستجوی راه حل برای فائق آمدن بر عقب افتادگی و وارheidن از سلطه استعماری سه نگاه غرب گرایی، ملی گرایی و اسلام گرایی بصورت سه موج پیاپی در کشورهای اسلامی پیدا شد.

جریان غرب گرایی با مشاهده و یاد آوری پدیده های جدید غربی و چهره علمی و کارشناسی و تفکر و تکنولوژی غرب، تمدن غربی را پذیرفته و پیروی از آن را تجویز می کند بدون اینکه قائل به تفکیک میان علم و دانش و ابعاد استعماری و استثماری تمدن غربی باشد، و یا استعمار غربی و چهره استثماری و غارتگرانه آنرا در نظر گرفته و مورد لحاظ قرار دهد... از مشخصه های اصلی این جریان تقلید همه جانبه از فرهنگ و تمدن غربی، اخذ و اقتباس از آن بدون هیچ نوع معیار و ملاک و ضابطه خاص، خودباختگی و بی هویتی در برابر غرب، تفکیک دین از سیاست، لیبرالیسم و خلاصه تفاهم با غرب و تسلیم در برابر آن می باشد...

دغدغه های سیاسی اعراب در قرن نوزدهم همراه با تشدید احساس سر خوردگی و همچنین احساس ضعف فرهنگی در برابر غرب در نهایت به تلاش برای قبول الگوهای ملی گرایی غربی منجر شد... ناسیونالیسم عربی تقریباً هم زمان با ناسیونالیسم ترکی و ایرانی پدید آمد و آثار سیاسی این هر سه در یک زمان ظاهر شد. طرفداران این جریان نه فقط آداب و رسوم تشریفات غربی را از طریق این سه ناسیونالیسم

رواج دادند بلکه مقاصد سیاسی خود را در پس سپر ناسیونالیسم پیش بردند. استاد شهید مرتضی مطهری نیز اندیشه ناسیونالیسم را زاینده استعمار می داند و در کتاب بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر می نویسد: رواج اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و به اصطلاح ناسیونالیسم که به صورت پان عربیسم، پان ترکیسم، پان هندوئیسم و غیره در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شد و همچنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی و همچنین قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی بصورت کشورهای کوچک و قهرا رقیب، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه کن کننده استعمار یعنی اتحاد اسلام بوده و هست. (اصغر افتخاری، بیداری اسلامی در نظر و عمل، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۲۷۲)

۶



شماره ۱۲

بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آن در خاورمیانه

بیداری اسلامی امروز در جهان اسلام در واقع بازتولید خواسته‌های قدیمی اما امروزی شده مسلمین در مواجهه با دو عامل اساسی عقب ماندگی جوامع اسلامی است که در استبداد و فساد داخلی حکام، و استعمار و استکبار خارجی ظهور و بروز دارد. همانطور که اشاره شد برای مواجهه با این دو عامل عقب ماندگی، سه جریان پیروی و تسلیم در برابر تمدن غرب، جریان توجه به داشته‌های ملی، میهنی و قومی و سوم استفاده از ظرفیت عظیم اسلام مورد توجه مسلمین قرار گرفت که با توجه به اصالت و فطری بودن، جریان سوم در جهان اسلام مقبولیت بیشتری پیدا کرد. اما این جریان در سیر تطور خود سه مرحله عمده را پشت سر گذاشته است که این سه مرحله عبارتند از: ۱. مرحله فریادگری بیداری اسلامی ۲. مرحله عمل‌گرایی بیداری اسلامی ۳. مرحله گسترش و نفوذ بیداری اسلامی.

بیداری اسلامی که امروز در جهان اسلام مشاهده می شود، حاصل تحولاتی است که در این سه مرحله بوقوع پیوسته است. بخش عمده ای از تحولات جهان اسلام در مرحله فریادگری بیداری اسلامی بوقوع پیوسته است که تقریباً به اتفاق علمای علم سیاست شروع آن از حمله ناپلئون به مصر بوده و تا انقلاب اسلامی ایران ادامه می یابد. در این دوره بیشتر کوششها به صورت بیان تفکرات و تلاش برای اصلاح اندیشه های امت اسلامی انجام پذیرفته است که باعث ایجاد جریان مقاومت و مقابله با استعمار و نفوذ غرب و اندیشه غربی در امت اسلامی شد.

احیاءگری و بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید [و وارد مرحله عمل‌گرایی بیداری اسلامی شد] اگرچه از حدود یک قرن قبل

اندیشمندانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده در جهان اسلام ظهور کردند که ندای بازگشت به اسلام و تقابل با فرهنگ غرب را سر می دادند و در این مسیر نهضتها و گروههایی نیز شکل گرفت ولی پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان به اثبات رساند که مسئله بازگشت به اسلام تنها یک خیال و نظر نبوده بلکه می تواند جامه واقعیت بر تن کند. (همان-ص ۲۸۶) امروز نیز بی شک بعد از گذشت بیش از سه دهه، انقلاب اسلامی ایران با به فعلیت در آوردن اسلام سیاسی در عمل و در دو عرصه نظام سازی و ارائه الگوی مردم سالاری دینی و با تلاش عملی در جهت گسترش فرهنگ مقاومت و عزت خواهی و مبارزه مستمر با جریان استکبار و صهیونیسم بین الملل بیشترین تاثیر را در آگاهی و بیداری مسلمانان داشته است و حرکت نظام در جهت تبیین الگوی توسعه و پیشرفت، مؤید عزم نظام اسلامی برای عرضه و نمایش کارآمدی اسلام سیاسی برای اداره جامعه است. (همان-ص ۲۸۶)

اما در مرحله گسترش و نفوذ بیداری اسلامی، جهان و بخصوص منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۷۹م که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت تا هم اکنون تحولات زیادی را به خود دیده است که هر یک به نوعی شرایط خاصی را در جهان بخصوص در منطقه خاورمیانه که مورد بحث ما می باشد رقم زده است، اما سه حادثه و تحولات بعد از آنها بطور مشخص رشد روند اسلام گرایی را در منطقه بوضوح نشان می دهند که عبارتند از: ۱. وقوع انقلاب اسلامی ایران ۲. فروپاشی شوروی ۳. وقوع حادثه یازده سپتامبر در آمریکا. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در طول یک دهه گذشته سرعت تحولات در منطقه به طرز چشمگیری بالا گرفت و اتفاقات فراوانی با توجه به تحرکات قدرتهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه رخ داد، که از جمله آنها می توان به جنگ افغانستان، عراق، ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه اشاره کرد. این اتفاقات باعث رشد جنبشهای اسلام گرا و تقویت جبهه مقاومت شد. و در نهایت این اتفاقات سبب شد که مردم منطقه بخصوص جوانان بخود بیایند و بدنبال استیفای حقوق لگدکوب شده خود در طی سالها دیکتاتوری و ظلم و ستم برآیند و به این ترتیب بود که با حضور خود در خیابانها و میداین به شکل گسترده شروع به مقابله با اقتدارگرایی و تمامیت خواهی حکام دست نشانده خود نمودند و آنها را از اریکه قدرت به زیر کشیدند.

ج: تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر تشدید تحولات بیداری اسلامی در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پس از سالها شاهد ظهور خیزشهای مردمی به شکل انفجاری و ناگهانی است. اما آنچه که در نگاه اول به تحولات نوظهور خاورمیانه مشخص می شود، شکل گیری گونه ای از

انقلابها و خیزشهای مردمی است که در تاریخ یک قرن اخیر در منطقه جز در کشور ایران سابقه نداشته است. انقلابهای مردمی و توده ای که در آنها مقابله با نظامهای حاکم بر کشورهای منطقه با حضور مداوم در خیابانها و با پرهیز از ایجاد درگیری مسلحانه و با حفظ وحدت کلمه پیگیری می شود تا از این طریق طی بازه ای نسبتا کوتاه و در برابر یک سیستم نظامی امنیتی سابقه دار و مورد حمایت کامل غرب، نظام سیاسی جدیدتری مبتنی بر خواست مردم شکل گیرد. در این انقلابها برخلاف گذشته، دیگر سخن از ایدئولوژیها یا مرامهای ناسیونالیستی عربی، روشنفکری غربی و یا افراط گرایی سلفی به میان نیامده بلکه در اعتراض به وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی این کشورها و تحقیر هویت دینی مردم، خیزش عمومی شکل گرفته که علیرغم حضور جریانات مختلف سیاسی و اجتماعی در آن، بازگشت به خویشتن و هویت اصیل اسلامی بعنوان خواست عمومی جامعه مورد تاکید قرار گرفته است. در واقع اگرچه در بطن این انقلابها جریانات سکولار، ملی گرا یا غرب گرا و... وجود داشته اند اما هدایت این انقلابها برخلاف تعریف رایج از انقلابهای کلاسیک نه تنها توسط نخبگان یا رهبران پیشرو صورت نگرفته است بلکه توسط جوانان و مردم عادی صورت گرفته که از استبداد داخلی، استعمار خارجی و شرایط نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور خود به تنگ آمده و فارغ از ایدئولوژیهای نخبگان جامعه در صدد تغییر شرایط موجود و دستیابی به وضعیت آرمانی بر اساس خواست مردم هستند. از سوی دیگر با توجه به وابستگی نظامهای سیاسی اقتدارگرای عربی موجود به دولتهای غربی مسلما به چالش کشیده شدن حضور فرهنگی، سیاسی و نظامی غرب نیز یکی از مهمترین ابعاد و پیامدهای این انقلابهای مردمی بحساب می آید. بنابراین با توجه به اینکه نه ناسیونالیسم لیبرالیستی و نه پادشاهی های سکولار نتوانسته اند خواسته های حداقلی مردم را برآورده کنند هم اکنون انقلابی عمومی و مردمی نه با هدایت و رهبری نخبگان جامعه بلکه با قیامی مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا بوقوع پیوسته است که علیرغم ادعای برخی روشنفکران ایرانی و خارجی، در آن نه صدایی از ذیمقراطیه (دموکراسی لیبرالی) شنیده می شود و نه صدایی از اشتراکیه (سوسیالیسم) یا الشعبیه (ناسیونالیسم) دیده می شود. تنها چیزی که وجود دارد حضور قاطبه مردم با نمادهای اسلامی پوششی و شعارهای اسلامی الله اکبر و لا اله الا الله و الشهید حبیب الله، برای برقراری دولتهایی مردمی و آزاد از رویکردهای عرب گرایانه و غرب گرایانه و سلفی است. بنابر این در عمیقترین لایه های خواست مردمی، نوعی بیداری اسلامی وجود دارد که علیرغم تاکید بر ملیت، نژاد پرستی نیست و علیرغم تاکید بر انتخابات آزاد، شعارهای اباحه گرایانه

(لیبرالیستی) و علمانیة (سکولار) سر نمی دهد و علیرغم تاکید بر اسقاط دیکتاتور، خواستار تداوم ارتباط با حامیان دیکتاتور هم نیست. (همان - ص ۲۹۵)

در این میان مطابق الگوی نظری پخش هرچه از زمان وقوع پدیده ای بگذرد از تاثیر گذاری آن پدیده کاسته می شود، اما در مورد انقلاب اسلامی ایران با توجه به اینکه پیامهای این انقلاب با فطرت مردم منطقه مطابق بوده است و شرایط کشورهای منطقه شباهت زیادی با وضعیت ایران قبل از انقلاب داشته است، در طول بیش از سی سال گذشته، دشمنان، جبهه استکبار و همچنین حکام دیکتاتور منطقه که از پیامهای برخاسته از این انقلاب در وحشت بودند، تمام تلاش خود را بکار بستند تا بتوانند از نفوذ و گسترش این انقلاب جلوگیری نمایند. به همین دلیل موانع مختلفی را بر سر راه اشاعه پیامهای انقلاب ایجاد نمودند اما به دلیل اینکه مردم منطقه و ملت‌های مسلمان اشتراکات زیادی بین خود و آرمانهای انقلاب ایران احساس می نمودند در برابر این موانع مقاومت نمودند و بالاخره پس از گذشت سالها از حرکت مردم ایران توانستند راهی را که ایرانیان پیموده بودند علیرغم سختیهای فراوان در پیش گیرند. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبدا پخش، پیامهای معنوی و فرهنگی انقلاب خود را که انقلابی بر اساس آموزه های دینی و فرهنگی بود، به جهان اسلام صادر کرد، و در این راه از ابزارها و مسیرهای مختلف بهره برد تا بتواند موضوعات مورد نظر خود را به کشورهای اسلامی انتقال دهد. اکنون بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متاثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر حاضر در قالب یک جنبش اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی، موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است.

انقلاب اسلامی با ارائه الگویی از حکومت بر پایه اسلام ناب، الگوهای ساختگی غرب و شرق عالم را به چالش کشاند... بدیهی است که ظهور و قدرت یافتن این انقلاب به مزاج اربابان قدرت، علی الخصوص آمریکا خوش نیامد پس با تمام توان به مبارزه با این کودک نوپا آمدند اما نه تنها پروژه نابودی یا مهار انقلاب عینیت نیافت بلکه نتیجه ای کاملاً معکوس داشت و عملی برای رویکرد جدی مستضعفان عالم به سوی خودباوری و استکبارستیزی شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد مردمی که از عظمت قدرت خود بی اطلاع بودند با برداشتی نوین از اسلام راستین به حرکت درآیند این حرکت نه فقط شیعیان، بلکه اهل سنت را نیز در بر گرفت چرا که

پیام امام، پیام جهانی و وحدت مسلمانان بود. والاترین دستاورد انقلاب اسلامی برای ملت‌های مسلمان جهان، برای ملت‌های مستضعف جهان، تربیت انسان جدیدی بود که قادر به ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم باشد. این مساله با ایجاد روحیه ایثار و مبارزه در میان امت اسلام، بزرگترین تهدید برای وضع موجود بود و سلطه غرب بر منطقه در مواضع استراتژیک و منابع زیرزمینی را بخطر می انداخت... حضور فعال بیش از ۱۹۵ گروه و جنبش اسلام گرا در کشورهای عربی نشانی از فراگیر شدن موج بیداری اسلامی دارد که اکثر آنها غیرمستقیم از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته اند و بعضی مستقیم از ایران حمایت می کنند... کسانی چون سمیر قنطار و خالد مشعل از مبارزان لبنان و فلسطین، در اینباره می گویند: "مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید". دمیدن روح اسلام ناب در کشورهای مسلمان منطقه در طول این سه دهه به تدریج مردم این کشورها را بیدار کرد و سبب شد تا به خود بیایند و ببینند تا کجا در منجلاب حقارتی که حاکمان مستبدشان ساخته اند، فرو رفته اند. (وبلاگ امتداد-تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی از آغاز تا کنون - ۹۰/۱/۲۰)

ایران توانست... الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تأثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی را بنا نهد و نوعی از جریان احیاگری، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان دهد و هدایت کند. جمهوری اسلامی، برای اولین بار اصطلاح «امت اسلامی» بعنوان یک مفهوم انقلابی را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد... پدیده انقلاب اسلامی، پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد. انرژی آزاد شده از آن به عنوان موتور محرکه همه تحرکات و خیزش جریانها و جنبشهای اسلامی از یکسو مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و از سوی دیگر طلسم شکست ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال کرد و این مسئله خود «جسارت و اعتماد به نفس» را به ملت‌های مسلمان برگرداند. در چنین وضعیتی بود که به تعبیر اقبال لاهوری، تهران قرارگاه مسلمانان شد و جمهوری اسلامی در فرایند ظهور، تثبیت و توسعه خود در داخل، به عامل منحصر به فردی در احیا، پایداری و توسعه بیداری اسلامی، و در شرایط کنونی به مرکز سازماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شد...

[در اینکه چه عواملی باعث تأثیرپذیری از انقلاب ایران شد، می توان علاوه بر ایدئولوژی، عقیده و دشمن مشترک، به مدیریت بحرانهای خاورمیانه‌ای مثل فلسطین، لبنان و عراق از سوی ایران اشاره

کرد[جمهوری اسلامی ایران همواره با اقتدار و استقلال و با پذیرش هزینه‌های سیاسی بسیار، همچنان از جبهه مقاومت و مردم فلسطین و مصالح جهان اسلام دفاع کرده است، در سختترین شرایط فارغ از مذهب و عقیده آنها مدافع و حامی آنها بوده است. مدیریت جمهوری اسلامی ایران در لبنان در هیئت حزب‌الله و در فلسطین در قالب حماس و جهاد اسلامی بعنوان جبهه مقاومت موفق عمل کرده است و تحت درایت هنرمندانه جمهوری اسلامی و عملکرد جریانهای مقاومت، جهان اسلام و جغرافیای عرب پس از ۶ دهه در حال خروج از انزوا و انفعال است، در حالیکه جبهه رعب‌آور صهیونیسم مسیحی به محوریت آمریکا و اسرائیل در دشوارترین شرایط سیاسی خود در تاریخ هدایت منطقه به سر می‌برند. کارکرد منطقی و نتیجه بخش جمهوری اسلامی باعث اعتماد بیشتر جنبشها به ایران بعنوان کانون مدیریت و الگوی کارآمد شده است. بگونه‌ای که جنبشها، حرکت خود را با افتخار متأثر و ملهم از الگوی ایران می‌دانند...

۱۱



شماره ۱۲

عامل دیگر، به نمایش گذاشتن الگوی مدیریت جدید سیاسی با عنوان مردم‌سالاری دینی و مدیریت دینی در ایران است. ایران در دوران مدیریت نظام سیاسی متأثر از دین اسلام، توانسته است به قدرت برتر علمی منطقه تبدیل شود. استقلال و اقتدار خود را در مدیریت بحرانهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی به اثبات برساند. (وبلاگ ظهور مهر-نقش ایران در بیداری اسلامی-به نقل از : www.javandaily.com)

اما در مورد مسیرها و مجاری پخش پیامهای انقلاب در جهان عرب، توجه به مقاله خانم رایس وزیر خارجه سابق آمریکا جالب است. کاندولیزا رایس در مقاله‌ای جدید تحت عنوان «آمریکا باید از شورشیان سوری حمایت کند» در روزنامه واشنگتن پست، با اذعان به نفوذ ایران در منطقه،... با اشاره به اثرگذاری شیعیان در تحولات منطقه تاکید کرده است که ایران امروز بر شیعیان سراسر منطقه تاثیرگذار است و آنان را تحت پرچم حکومت اسلامی متحد کرده است. وی از حزب‌الله لبنان بعنوان یک گروه تاثیرگذار شیعه نام برده که سیاستهایش با سیاستهای حکومت ایران منطبق است...رایس در پایان مقاله اشاره می‌کند که در صورت ادامه یافتن تحولات اخیر در منطقه، ایران در آینده «برنده» این عرصه خواهد بود و متحدان آمریکا بازندگان اصلی منازعه خواهند بود. هر چند رایس بر اثرگذاری ایران بر شیعیان منطقه تاکید دارد اما برخی دیگر از کارشناسان معتقدند که جنگ ۸روزه غزه نشان داد که گروههای سنی متعصبی همچون حماس نیز کاملاً متأثر از سیاستهای ایران در منطقه هستند. (ایران پیروز نهایی تحولات منطقه است-پایگاه خبری تحلیلی اعتدال-۹۱/۹/۷)

روزنامه انگلیسی فاینشیال تایمز با اشاره به اینکه ایران قیامهای سراسر خاورمیانه را تاییدی بر برتری خود بعنوان یک قدرت منطقه‌ای و افول قدرت آمریکا می‌بیند، می‌نویسد: «این تحولات به هرگونه‌ای جلو می‌رود، دولتهایی را ایجاد خواهد کرد که کمتر سرسپرده واشنگتن و کمتر دشمن تهران هستند...» [در این بین غرب سعی دارد تا با ایجاد ایران هراسی و شیعه هراسی از نزدیکی کشورهای منطقه به ایران جلوگیری نماید به همین دلیل برای جلوگیری از نفوذ ایران به این کشورها، شایعه دخالت ایران در امور داخلی را هر روز پر رنگ تر از طریق رسانه های خود مطرح می نماید.]

۱۲



شماره ۱۲

زهره الهیان از اعضای هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، الگوبرداری این ملت‌ها از انقلاب ایران و تحولات منطقه را طبیعی ارزیابی می‌کند، ولی به صورت قاطع شایعه دخالت ایران در امور داخلی این کشورها را محکوم می‌کند و می‌گوید: «این طبیعی است که مردم این کشورها از انقلاب اسلامی ایران الگوبرداری کنند، ولی اینکه جمهوری اسلامی ایران دخالت مستقیم در این کشورها داشته باشد ادعایی باطل است. دخالت مستقیم یک کشور در امور کشور دیگر به‌عینه در لیبی با حضور نظامی آمریکا، انگلیس، فرانسه و ناتو در این کشور یا در هماهنگی با آمریکا در جریان ورود نیروهای عربستان به بحرین رخ داده است. در حالیکه در طول ۳۰ سال گذشته جمهوری اسلامی ایران در هیچ کجای این منطقه دخالت نظامی نداشته است...»

با توجه به جمیع جهات روشن است که کشورهای منطقه با درک تجربه انقلاب اسلامی و مشاهده موفقیت‌های ایران در پیشبرد سیاست‌ها و ارائه الگوهای موفق و همچنین مشخص شدن عدم توان قدرتهای بزرگ بخصوص آمریکا در مقابله با این سیاست‌ها، بیدار شده‌اند. نگاه ملت‌های منطقه به ایران، نگاه به کشوری است که توانسته با استکبار جهانی مقابله کرده و در کنار آن، منافع ملی‌اش را نیز حفظ کند و موفقیت‌های بزرگی را نیز در عرصه‌های مهم و انحصاری جهان مانند عرصه هسته‌ای و فضایی رقم بزند. چنین شرایطی به صورت طبیعی برای کشورها شرایط و نقاطی آرمانی است. تحولات خاورمیانه در عین حال فرصت مناسبی برای دیپلماسی ایران است، هر چند به اذعان مسئولان کشور، ایران اسلامی هیچ‌گاه به دنبال دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه نبوده است، اما به هر حال باید به صورتی هوشمندانه از این فرصت به دست آمده برای گسترش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و سایر کشورهای جهان استفاده کرد. (تأثیر معنوی ایران بر تحولات منطقه - جام جم آنلاین - ۹۰/۲/۴ - مریم هدیه‌لو)

ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگری بشدت برای مسلمانان جذاب و شگفت انگیز بود. بنابراین، انقلاب اسلامی، کانون پخش و تراوش در منطقه شد. یک بررسی مقایسه ای بین موزائیک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، بخوبی نشان دهنده تغییرات بافت موزائیک منطقه ای خاورمیانه است. بنابراین، ما شاهد مجموعه ای از تاثیرپذیری های غیر ارادی یا، به تعبیر گراهام فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه می باشیم. این تاثیرات، نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تاثیر آن قرار گرفتند. این تاثیرگذاری ناشی از قدرت سلبی یا نفی کنندگی انقلاب و تعمیم این باور بود که "آیت الله" باید درست عمل کرده باشد که توانسته است شاه را با تمام قدرتش و حمایت آمریکا، سرنگون کند. و در فرایند این تحول، ایالات متحده را نیز تحقیر کند. بنظر آنان، امام خمینی بدلیل موفقیتش، یک الگوی اجتناب ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است. (نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، ابراهیم برزگر)

۱۳



شماره ۱۲

اما به علت عواملی چند از جمله وقوع جنگ تحمیلی ۸ ساله ای عراق علیه ایران... و ایجاد انواع تحریمها از جمله تحریم اقتصادی و سیاسی و غیره و بدلیل اینکه ساختار نظام بین الملل متوجه بود که انقلاب بزرگی که در ایران اتفاق افتاد، دارای پیامدهای بین المللی است، در این ۳۰ سال از انتشار این نوآوری و پیام اسلام سیاسی و اسلام تمدن ساز و پاسخگو به مشکلات بشر، و مسلط شدن این کالای فرهنگی - اسلامی صادر شده از انقلاب اسلامی جلوگیری کردند، و سعی نمودند با ایجاد اسلام هراسی و ایران هراسی در سطح جهان و بخصوص در منطقه خاورمیانه، ایران و اسلام سیاسی منتشر شده از سوی آن را منزوی نموده و این دو را بعنوان نماد خشونت علیه بشریت و تحجر و عقب ماندگی معرفی نماید تا اینکه در سالهای جاری اتفاقاتی در کشورهای عربی افتاد. مشکلات اقتصادی ایجاد شده و طرحهای ریاضت اقتصادی که در این کشورها شاهد بودیم و افزایش آگاهی مردم از شرایط روز دنیا از طریق وسایل ارتباطی جدید و رشد فرهنگ و آگاهی های سیاسی مردم این کشورها، وجود نظامهای دیکتاتوری سرکوبگر، وابستگی به غرب و جبهه استکبار، حمایت از اسرائیل در قلب جهان اسلام توسط دیکتاتورهای دست نشانده، بالارفتن سطح تحصیلات و علم جوانان منطقه و وجود فساد در تمامی جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین بافت جوان کشورهای مختلف اسلامی این ظرفیت و این فرصت را بوجود آورد که این کالا سرانجام بتواند عرضه شود و این بیداری در کشورهای اسلامی تشدید گردد.

موضوعات پخش انقلاب اسلامی، طیف متنوع و وسیعی از انواع تاثیرات را تشکیل می دهند... تغییر محتوای سخنرانان مذهبی، تاسیس سازمانهای مذهبی و مبارز، فعال شدن سازمانهای قبلی، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان نشین، الهام گیری از تاکتیکهای مبارزاتی انقلاب اسلامی، بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی،... اعتماد به نفس سیاسی، ترویج و شیوع ایده مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت اسلامی مسلمانان و ایجاد قطب و ابرقدرت اسلامی، وحدت شیعه و سنی، اسلام یا راه حل مبارزه اسلام، راه حل زندگی، ایجاد جامعه اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، شاید برای این همه به توان یک نام برگزیده، و آن "اسلام سیاسی" است... به هر تقدیر، "اسلام سیاسی" و قدرت ایدئولوژی، پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای اعراب، بویژه پس از سرخوردگی آنان از ناسیونالیسم، ارثه کرد. "انقلاب اسلامی ایران، تقویت شگفت انگیز عقاید ضد غربی و محافظه کارانه را در خاورمیانه در پی داشت. (همان)

۱۴



شماره ۱۲

ماهیت انقلاب اسلامی ایران با وجود ایدئولوژی اسلامی از همان آغاز آنرا به یک ایدئولوژی فراملی تبدیل ساخته بود. مواد اولیه ایدئولوژی مبتنی بر اسلام، در کلیه سرزمینهای اسلامی یافت می شد در حالیکه آنها در شرایطی مشابه شرایط ایران بسر می بردند. اولین خصیصه مهم ایدئولوژی انقلاب ایران ماهیت دینی و اسلامی آن در مقابل تفکر مادی گرایانه غربی و شرقی بود. انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفسی را که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور کرد. این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبشهای اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کاملترین شیوه مبارزه است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در ملاقات با امام خمینی (ره) در این باره گفت: «انتفاضه بارقه ای از نور و بازتابی از پیروزی های بزرگ انقلاب شماس، انقلابی که بزرگترین تحول را در عصر ما بوجود آورد...» به عقیده شیخ عبدالله شامی، یکی از رهبران مبارز فلسطینی «پس از انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی، به قرآن و تفنگ نیاز دارند.» این در حالیست که برای چند دهه حرکتهای انقلابی، اغلب در اختیار گروههای مارکسیستی بود. به هر روی، انقلاب اسلامی، تأکیدی بر بعد سیاسی اسلام بود. (تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های سیاسی معاصر، روزنامه کیهان، ۸۸/۱۱/۵، باشگاه اندیشه، مرتضی شیرودی)

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب احیای هویت اسلامی در جهان اسلام گشته است. انقلابها بازتابهای مختلفی در اقصی نقاط جهان دارند. بیشترین تأثیر انقلابها را می بایست در مناطق فرهنگی

مشترک جستجو کرد. جهان اسلام به عنوان زمینه فرهنگی مشترک با مردم ایران، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است. نمودهای چنین تأثیری را می توان در رشد و گسترش حرکت‌های اسلامی همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده کرد. برغم ادعاهای برخی از تحلیلگران غربی در ناکامی و شکست اسلام سیاسی، اسلام سیاسی در چند دهه اخیر رشد روزافزونی داشته است. ظهور جریان‌های اسلام‌گرا در فلسطین، لبنان، ترکیه، کشورهای آفریقایی...، پاکستان و شبه قاره، جنوب شرق آسیا، و دیگر مناطق جهان اسلام همگی بعنوان نمودهای بارزی از احیای هویت اسلامی در جهان اسلام به جهاتی حاکی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی می باشد. افول ایدئولوژی مارکسیستی و بحران در نظام‌های لیبرال دموکراسی همگی زمینه رشد اسلام‌گرایی را در جهان اسلام فراهم کرده است... مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی است... بی تردید به خطا نرفته ایم اگر بگوییم نسل مسلمان پس از انقلاب در سراسر جهان پذیرفته اند که اسلام برای اصلاح سیاسی و اجتماعی برنامه دارد... بدون تردید آنچه که تنها انقلاب اسلامی توانست در این مرحله انجام دهد و چنانکه گذشت توجه اندیشمندان پسامدرنی چون فوکو را برانگیخت، خصلت شالوده شکنی انقلاب اسلامی نسبت به سیطره مدرنیسم غربی بوده است. (انقلاب اسلامی و بازآفرینی هویت اسلامی، خبرگزاری فارس، ۸۵/۳/۳۱، باشگاه اندیشه، غلامرضا بهروزلک)

انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر قدرت نرم افزاری فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه ورزی بر ابزار انگاری، نوعی فعالیت فکری و فرهنگی را رقم زد که بر استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان استوار بود. چنین انقلابی که خودکفایی و خوداتکایی علمی بدون وابستگی به قدرتهای خارجی را ترویج می کرد، موجد نوعی جنبش نرم افزاری و تولید علم در جهان اسلام شد که بر حفظ فرهنگ بومی در عین بهره گیری از دستاوردهای تکنولوژی بویژه فناوری های ارتباطی روز تأکید می ورزد. انقلاب اسلامی توانست با نشان دادن ظرفیت تمدن اسلامی بعنوان تمدنی جامع و چند بعدی در عرصه های دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و نیز بازسازی تمدنی بر اساس غرب پژوهی و بومی گرایی، طلایه دار گفت‌وگوهای جدید تعاملی و تبادلی در عرصه های علم، دانش، تکنولوژی و اندیشه باشد. انقلاب اسلامی در عصر انقلاب ارتباطات و همزمان با رشد شبکه های فراملی، موجب بازسازی فکری تمدن اسلامی گردید... افزایش روحیه انقلابی گری در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و ارتقای اهمیت و نقش دانشجویان، موجبات افزایش تعاملات فکری و فرهنگی دانش پژوهان را فراهم آورد. رشد معنویت گرایی، افزایش گرایش و دلبستگی مردم به معنویات و توسعه فرهنگ دینی در کشورهای اسلامی، همزمان با گسترش موج اسلام خواهی و

اسلام گرایی و احیاء و نهادینه سازی ارزشهای معنوی و اسلامی، موجب اعطای هویت اخلاقی، معرفتی و معنوی به جوامع مسلمان گردید. بیداری اسلامی و هویت یابی کشورهای اسلامی بواسطه پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. انقلاب اسلامی در اعطای افتخار و ایجاد اعتماد به نفس مسلمانان چه سنی و چه شیعه بدون توجه به ملیت و یا تمایلات سیاسی آنها نقش داشته و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب شده، جهت مقابله با استعمار خارجی مشخص کرده است. (نوآوری سیاسی انقلاب اسلامی ایران، خبرگزاری فارس، ۸۷/۱۱/۱۲، باشگاه اندیشه، حبیب ساسانی)

۱۶

ج/۲: انواع پخش

ج/۱/۲: پخش جا بجایی

نمونه هایی از این نوع پخش، عبارتند از: تاثیرگذاری انقلاب اسلامی در اعزام مبلغان مسلط به زبانهای خارجی به مراسم حج و کار روی تک تک حجاج، که بعدها بدلیل تاثیرگذاری، از سوی مقامات سعودی این حرکت با محدودیتهایی مواجه شد. حضور مهاجران عراقی و افغانی در ایران و بازگشت آنها به کشورشان، دعوت از مهمانان و نخبگان خارجی تبعه کشورهای مسلمان در مناسبتهای دهه فجر و سالگرد انقلاب اسلامی، و بعدها در سالگرد رحلت امام، و اخیراً بعد از تحولات کشورهای اسلامی دعوت از نخبگان، زنان و جوانان حاضر در تحولات بیداری اسلامی، اعزام مبلغ به سراسر جهان در مناسبتهای مذهبی و غیره، اعزام رایزن های فرهنگی به دیگر کشورها و حضور روحانیون و دانشجویان کشورهای اسلامی در ایران برای تحصیل، مفروض این بود که این افراد با پذیرش نوآوری انقلاب اسلامی و بازگشت به کشورهای خود، به گونه ای سرایتی یا حتی سلسله مراتبی- با توجه به نخبه بودن و قدرت تاثیرگذاری بیشتر- عامل پخش ایده های انقلاب اسلامی شوند.

ج/۲/۲: پخش سرایتی و اثر همسایگی

یکی از مباحث پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیکترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. بنابراین، با توجه به مجاورت دو کشور عراق و ایران، و با توجه به محیط پذیرای عراق و تجانس فرهنگی و مذهبی و سایر مشترکات مردم دو کشور، انتظار می رفت که بر اثر همسایگی، عراق اولین کشوری باشد که در معرض تندباد تحولات فرهنگی ایران قرار گیرد و بگونه پخش



شماره ۱۲

سرایتی، انقلاب به آنجا تسری پیدا کند. اما از سوی دیگر تحولات دیگری که در مرزهای ایران صورت می گیرد، به گواه ناظران برای جلوگیری از سرایت انقلاب ایران به سایر کشورهای همجوار آن بوده است. (نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، ابراهیم برزگر) کودتا در کشورهای ترکیه و پاکستان و روی کار آمدن نظامیان با قدرت سرکوب بالاتر، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد سپر محافظتی در قبال اشاعه انقلاب اسلامی در مرزهای جنوبی خلیج فارس، حمله عراق به ایران و تحمیل جنگی هشت ساله بر انقلاب نوپای ایران و حمایت تقریباً تمام دنیا از این کشور در برابر ایران در جنگ، ایجاد انواع تحریمها بر علیه ایران، و نیز اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی در گذشته و بوجود آمدن درگیری داخلی در افغانستان و هم اکنون اشغال آن توسط ناتو و آمریکا و اشغال عراق و هجمه به سوریه، می تواند در راستای جلوگیری از رسیدن امواج انقلاب اسلامی بدان کشورها، یا جلوگیری از عبور امواج از آن کشورها تفسیر شود.

وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، وجود حوزه های علمیه قم، نجف، کربلا و ارتباط بین آنها، مراسم و برنامه های عزاداری ایام محرم، صفر و رمضان و ارتباطی که این مراسم با مراسمی که همزمان در ایران تشکیل می شود،... وجود عتبات عالیات و رفت و آمد ایرانیان به عراق و شیعیان عراق به ایران، وجود مراجع بزرگ در کشور عراق و ایران و تبعیت بسیاری از عراقیها از امام و دیگر مراجع تقلید، که مسائل سیاسی را نیز در برمی گرفت، مهاجرت و تبعید برخی از روحانیون برجسته عراق به ایران، این دیدگاه را در میان مردم شیعه عراق بوجود آورد که ایران مأمّن دانشمندان و روحانیون برجسته و مبارز آنان است. مومنین و روحانیون ایران قرن هاست که مجذوب عتبات عالیات در عراق هستند و شیعیان عراقی نیز به اکثریت شیعه ایران بعنوان یک حامی سیاسی... نگاه می کرده اند. و این رابطه دوجانبه عمیق، قرابت موضع گیریهای علما و مردم را در دو کشور هر چه بیشتر افزایش می دهد. و این قرابت، شیعیان عراق را به هدف مناسبی برای صدور انقلاب ایران و الگو گیری عراقی ها از انقلاب ایران تبدیل کرده است. (بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق، سایت باشگاه اندیشه، ۸۸/۱/۷، مهدی اخلاقی نیا)

ج/۳/۲: پخش سلسله مراتبی و پیشاهنگ ها

اگر نکته کاربردی پخش سرایتی بر "اثر همسایگی" شناخته شود، پخش سلسله مراتبی را نیز می توان در عنصر "پیشاهنگ ها" برجسته کرد. به تعبیر دیگر، در پخش، پیوسته مجموعه ای از نواحی، حالت پیشاهنگی و قافله سالاری نسبت به سایر نواحی دارند... نظریه پردازان پخش، از آن نواحی که در انتشار فضایی جلوتر از

سایر نواحی عمل می کنند، برای پیش بینی پخش در زمانها و مکانهای بعدی استفاده می کنند. به تعبیر دیگر، در صورتی که پخش وارد این سرزمینها شود، به شکل غیر قابل کنترل و بگونه ای سلسله مراتبی انتشار می یابد. (نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، ابراهیم برزگر) نقش موقعیت استراتژیک کشور مبداء، در شدت پخش آن بسیار مهم است. نقل قول مشهوری در باب مصر وجود دارد که می گوید: "اگر مصر مریض شود، تمام جهان عرب مریض می شود." ، که موید نوعی پخش سلسله مراتبی است. (همان) کشورهای پیشاهنگ در باب تاثیرگذاری سلسله مراتبی ایران عبارتند از: (۱) عراق و لبنان در جهان عرب، (۲) افغانستان در آسیای مرکزی، (۳) پاکستان در شبه قاره هند و آسیای جنوب شرقی، (۴) ترکیه در قفقاز و بالکان... چنانچه انقلاب اسلامی در عراق به سرانجامی خوش می رسید، در آن صورت انقلاب ایران در ترجمه ای بومی تر و در فرهنگ عربی برای کلیه کشورهای عربی، کالای پرجاذبه ای می شد و با سرعت و شتابی مثال زدنی، کل خاورمیانه عربی را در بر می گرفت و در این میان، عراق یکی از کشورهایی بود که بگونه پخش سلسله مراتبی به ایفای نقش می پرداخت. حجم عظیم سرمایه گذاری غربیان و حکومتگران منطقه ای در نشکستن سد مقاومت عراق، در چنین تحلیلی بهتر قابل درک است. یعنی، اولاً، در چارچوب "اثر همسایگی" و، ثانیاً، تاثیر "سلسله مراتبی" عراق...

گونه های دیگر پخش سلسله مراتبی ایران را باید در جایگاه تاثیرگذار آن کشور و موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس دانست، همچنانکه وقوع انقلاب در سرزمینهای واجد موقعیت استراتژیک دارای بیشترین بازتابها می باشد. قدرت تاثیرگذار "ابر قدرت فرهنگی" ایران در این راستا واجد اهمیت است... زین سبب ایران می کوشید تا با تاثیرگذاری بر نخبگان فرهنگی و سیاسی و مذهبی و جذب آنان به انقلاب، روند اشاعه فرهنگی را بگونه سلسله مراتبی محقق سازد. (همان) بطور مثال، ارادت سید حسن نصر الله و علمای مجاهد بحرین و عراق به رهبری معظم انقلاب، طبعاً به پیروانشان در کشورهای عربی سرایت کرده و بیانگر پخش "سلسله مراتبی" است که ابتدا از طریق تاثیرگذاری بر نخبگان و سپس از آن طریق به زیر مجموعه سرایت کرده است. یک نمونه از پخش سلسله مراتبی رامی توان در تاثیرگذاری ایران بر حزب الله و از این طریق بر شیعیان لبنان و سپس اهل سنت در آن کشور و بعد بر مبارزین فلسطینی و جهان عرب بوضوح مشاهده کرد.

چنانکه در نظریه پخش گفته می‌شود، حداقلی از افراد لازمند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه خود به خود، مانند توده برفی که به "بهمن" تبدیل می‌شود، ادامه یابد. همچنین، نهادها و مجاری دیگری نیز لازم است که کار پخش را صورت دهند. بنابراین، ابزارها، افراد و نهادهایی بطور طبیعی یا ارادی در این رابطه عامل تسری و شیوع اندیشه واقع شده‌اند. نهادهایی، نظیر سپاه پاسداران (مثلا در لبنان)، سفارتخانه‌ها (وزارت خارجه) یا رایزنی‌های فرهنگی (وزارت ارشاد و سازمان فرهنگ و ارتباطات)، جهاد سازندگی، وزارت بازرگانی، وزارت اطلاعات، و نیز نهادهایی، نظیر حوزه‌های علمیه، صدا و سیما، [با استفاده از شبکه‌های ماهواره ای عربی و انگلیسی زبان مانند پرس تی وی، العالم، کوثر و... و ایجاد سایتها در فضای مجازی جهت ترویج مقاصد و اهداف انقلاب و الگودهی و خط‌دهی به نیروهای انقلابی]، انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، و بطور کلی نهادهای شیعی در سراسر جهان می‌توانند تسهیلاتی را برای این پخش فراهم کنند. سمینارها و مراسم نیز دارای چنین کارکردی بوده‌اند. مراسم حج و برائت از مشرکان، سالگردهای پیروزی انقلاب اسلامی و دعوت از میهمانان خارجی یا بر عکس اعزام هیئت‌هایی به خارج از کشور، مراسم و کنفرانس‌های هفته وحدت، [برگزاری چندین کنفرانس مربوط به جریان بیداری اسلامی در سطح زنان، جوانان و نخبگان] اعطای بورس تحصیلی به طلاب و دانشجویان خارجی، با این هدف که در بازگشت به وطن به عامل پخش نگرشهای انقلابی و ایرانی بدل شوند. مراسم سالانه ارتحال امام و حضور مهمانان خارجی در آن،... که امکان انتقال پیامها را فراهم می‌کنند، از جمله مسیره‌ها و کانالهای پخش انقلاب اسلامی بوده است. (همان)

سخنرانی‌های مقام معظم رهبری که بدلیل روشنگری‌های موجود در محتوای آن مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته و می‌گیرد، مانند سخنرانی مقام معظم رهبری که چندین بار در میدان تحریر مصر برای مردم پخش شد. یا سخنرانی بقیه مقامات عالی‌رتبه کشور، همچنین برگزاری یکسری از نشستهای علمی و پژوهشی چه در ایران و چه در خارج از کشور تاثیر بسزایی در پخش نگرشهای انقلابی خواهد داشت. حضور اندیشمندان و علما و اساتید ما در گردهمایی‌ها و نشست‌های علمی که تاثیر فوق‌العاده‌ای دارد و باعث جلب توجه مخاطبین شده ایجاد شناخت و علاقه می‌کند، حضور جدی در عرصه بین‌المللی، پایه‌گذار پیروز قدس از سوی امام خمینی (ره)، که اگر نمودار چگونگی حضور مردم در این روز در کشورهای مختلف را بخواهیم ترسیم کنیم هر سال نسبت به سالهای قبل چه به جهت کمیت و گستردگی مردم در کشورهای

مختلف و چه به لحاظ کیفیت یعنی نوع محتوای حضور و استدلال و اظهار علاقه مردم نسبت به دفاع از آرمانهای قدس، می بینیم که این منحنی حضور یک سیر صعودی دارد. یعنی هر سال جمعیت زیادتر می شود. در کشورهای جدیدتری مردم می آیند در خیابانها و تظاهرات گسترده تر می شود. بهره گیری کامل از نمادهای اسلامی، نمادهایی چون عاشورا، شهادت امام حسین (ع)، ظهور حضرت مهدی (عج) و مساجد، بعنوان مثال، با اینکه عاشورا در واقع یک ارزشی است که ما شیعیان عمدتاً به آن معتقد و مبلغ آن هستیم، ولی می بینیم که از اول انقلاب تاکنون ارزش عاشورا و منطق نهضت کربلا هر روز در دنیا بیشتر معرفی و علاقمند بیشتری به آن پیدامی شود، اینها بصورت زنده با دنیا ارتباط برقرار کرده و می کنند و این ارتباطات باعث ایجاد شناخت در مخاطبین شده است، استفاده از نقش مسجد و کارکردهای آن، هسته های اصلی مبارزه از درون مساجد و با فکر و اندیشه اسلامی شروع و گسترش می یابد و مبارزات به شکلی مردمی و همه جانبه درمی آید، مباحث آموزشی بین دانشگاه ها، تبادل استاد و دانشجو و کتابهای آموزشی و مباحث مربوط به بازآموزی و توسعه زبان فارسی در کشورها، ترجمه و نشر کتاب به زبانهای مختلف، حمایت از جنبشهای آزادی خواه از طریق توسعه روابط با آنها، نشر شعارها و پیامهای انقلاب اسلامی، الگوسازی از طریق اسلامی کردن نظام و حاکمیت ارزشهای اسلامی، و اثبات توانمندی نظام اسلامی در دنیای مدرن، آموزش و ترویج اعتقادات اسلامی انقلابی، از طریق کمکهای آموزشی در ابعاد نظامی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی و فنی به نیروهای مبارز، حضور عمرانی ایران در قالب جهاد سازندگی، کمیته امداد و بنیاد شهید، ارسال سلاح از سوی ایران برای حزب الله و نیروهای مبارز فلسطینی، راههایی برای پخش انقلاب می باشند... اما مهمترین ابزار انقلاب ایران برای نشر ایده های خود، به جهت فرهنگی بودن آن و منبعث بودن این فرهنگ از اسلام، استفاده از مشترکات اسلامی است که از آن بعنوان عوامل همگرایی یا عناصر همسویی و همرنگی موجود بین انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای سیاسی اسلامی یاد می شود و این ها عبارتند از:

- ۱- ایده واحد... ۲- رقیب یکسان... ۳- آرمان مشترک... ۴- وحدت گرایی... ۵- مردم مداری. (تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های سیاسی معاصر، مرتضی شیرودی)

ج/۴: حوزه، مقصد و مکان پخش

مقصد اشاعه نوآوریهای انقلاب اسلامی می تواند کل ۵۳ کشور اسلامی عضو کنفرانس اسلامی یا ۲۰ کشور عربی خاورمیانه عربی یا کشورهای خاورمیانه بزرگ یا سایر مناطق آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی باشد. طبیعی است که این حوزه های پخش گاه دارای محیط پذیرا و گاه ناپذیرا می باشند. منظور از محیط

پذیرا تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، تفاوتها و اختلافات و شکافهای مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه های مساعد و همگرایی، و عوامل ناپذیرا موجب عدم تاثیرپذیری از پیامهای انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می شود. مثلا، جوامع عراق، بحرین و لبنان به جهت بافت مذهبی شیعی، محیط پذیرای انقلاب اسلامی اند. طبیعی است که ممکن است بر اساس یک شاخص، کشوری به ایران نزدیک و بر اساس شاخص دیگری، از ایران دور شود، همان سان که جوامع مذکور دارای شکاف زبانی با ایران اند،... بنابراین، زمینه های مساعد و نامساعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر یک از کشورهای مقصد می تواند بطور مستقل مورد بررسی قرار گیرد. همان سان که گفته شد هم مذهب بودن، هم عامل اشاعه دهنده و هم عامل شتاب دهنده پخش ایده ها است. در واقع یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعه رفتارها را در بین هم مذهبیون شتاب غیر قابل تصویری می بخشد طبعاً اختلاف مذهب نیز می تواند به جای عامل، مانع پخش گردد. اگر ایران را بعنوان مرکز پخش در منطقه در نظر گیریم و مکانها و مقاصد پخش را کشورهای عربی تصور کنیم، در این صورت امواج پخش وارد محیطی می شود که بعضاً محیط ناپذیرا است. این محیط ناپذیرا یا موانع، بعضاً در عناصری از روانشناختی سیاسی، قابل تفسیر است. شکاف عربی-عجمی یا عربی-ایرانی، شکاف سنی-شیعی، و شکاف زبان فارسی-عربی، برخی از موانع پخش امواج انقلاب اسلامی است. بنابراین، امواج بازتاب انقلاب در بسیاری موارد، به سدهای عربی گرای، اهل سنت گرای، یا زبان عربی گری، [مقابله حکام دست نشانده با انقلاب ایران و دشمنی های غرب با این انقلاب، در غالب ایران هراسی، شیعه هراسی و انواع هجمه های نظامی، اقتصادی، سیاسی، رسانه ای، فرهنگی و...] برخورد می کرد و تنها امواج اندکی از آن از این سدها عبور می کرد و منشاء تاثیر می گشت. (نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، ابراهیم برزگر)

همانطور که بیان شد بدلیل وجود موانع بر سر راه پخش آرمانهای انقلاب ایران این خواسته ها به شکل آتشی زیر خاکستر درآمد که هرازگاهی زبانه می کشید اما اینبار با قدرت تمام برخاست و این موانع را از سر راه خود برداشت و به راه خود ادامه داد و تحولات اخیر را در کشورهای عربی رقم زد. اما این... که چرا بعد از ۳۰ سال این تحولات وارد مصر و دیگر کشورها می شود؟ پاسخ ما بر مبنای تئوری پخش این است که بدلیل این که در این ۳۰ سال فضای این کشورها، محیط بسته بوده و محیط ناپذیرا بوده، این پیامها را پس می زده است ولی اکنون که دیکتاتوری در این کشورها یکی پس از دیگری در حال سرنگونی است و اثرگذاری کشورهای خارجی - بعنوان کسانی که مخالف اشاعه ی پیامهای انقلاب اسلامی بودند - کم شده، ما شاهد

هستیم در یک محیط پذیرا این پیامها اشاعه پیدا می‌کند و با سرعتی بسیار زیاد به سمتی می‌رود که محیط را هم‌گرا کند یعنی منطقه‌ی خاورمیانه را یک منطقه‌ی هم‌گرا کند و از این شکل واگرایی فعلی خود خارج سازد و یک هویت اسلامی مشترک را در این کشورها ایجاد کند البته با فرمهای مختلفی که برای تحقق این اسلام‌گرایی وجود دارد... ولی در نهایت در هر یک از این کشورهای اسلامی که این دیکتاتورها کنار بروند و دست مردم بیفتند، بدلیل آن سرشت اسلامی مردم مسلمان و اینکه مردم مسلمان جهت‌گیریهای اسلامی، ضداسرائیلی، ضدآمریکایی و ضداستعماری دارند، بطور قطع این جهت‌گیریها جدی شده به شکل سلبی یا در قالب قوانین ایجابی اینها را محیای پذیرش یک منطقه‌گرایی اسلامی می‌کند. (بیداریاسلامی و حل یک معمای ۱۵۰ ساله، پایگاه تبیینی تحلیلی برهان، ۸۹/۱۲/۲۶، ابراهیم برزگر)

ج/۵: چند مرکزی شدن پخش

برخلاف میل تحلیلگرانی که اصرار دارند الگو بخشی انقلاب اسلامی ایران نسبت به قیامهای اخیر را نفی کنند، آیت الله خامنه‌ای بر این باور است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برآمدن جمهوری اسلامی و سالها ایستادگی در برابر مشکلات و سختی‌های راه، خودباوری و پیشرفت ملت ایران، توانسته است الگویی کامیاب از حکومت اسلامی را پیش چشم امت اسلام ترسیم کند. بیداری اسلامی، چه بگوییم، چه نگوییم، چه به رو بیاوریم، چه نیاوریم، چه دیگران به رو بیاورند، چه نیاورند، اثر گرفته از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم، این انقلاب بزرگ، این تحول بنیان برافکن سنتها و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرد. از این دیدگاه، هنگامی که امام خمینی (ره) پرچم اسلام را در ایران برافراشت بعد از سالهای متمادی که کوشش شده بود هویت اسلامی خرد شود، مسلمانان در همه جای دنیا احساس شخصیت و هویت کردند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار شود. ملت‌های مسلمان از آفریقا تا شرق آسیا به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند، با فرمول‌های گوناگون، نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما، اما به فکر حاکمیت اسلام برکشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند. بعضی هم آینده‌نوید بخشی درانتظارشان هست... آیت الله خامنه‌ای با واقع‌نگری معتقد است بیداری اسلامی و الگو برداری امت اسلام از انقلاب اسلامی ایران، لزوماً به شکل‌گیری یک نظام سیاسی یکسان و همانند در سراسر منطقه نخواهد انجامید. بلکه مردم هر کشور متناسب با شرایط و نیازهای خود فرمول‌هایی پیدا می‌کنند که در نهایت به حاکمیت اسلام برکشورهای اسلامی می‌انجامد. در واقع می‌توان گفت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای بیداری اسلامی در نهایت حاکمیت

مردم سالاری دینی را در سراسر جهان اسلام در پی خواهد داشت. اگرچه تحقق مردم سالاری دینی در چارچوب نظام سیاسی هر کشور، با توجه به زمینه های اجتماعی و بافت فرهنگی هر نقطه از جغرافیای جهان اسلام متفاوت خواهد بود. (اصغر افتخاری، بیداری اسلامی در نظر و عمل، ص ۱۲۶)

باید در نظر داشت وقتی صحبت از اشاعه‌ی پیامهای انقلاب اسلامی می‌شود، ما یک حالت صرف نداریم بلکه در نظر بگیریم چند نوع و شکل تأثیرگذاری می‌توانیم داشته باشیم... صورتبندی‌های این تأثیر و قالبهای آن عوض می‌شود. در فضاها و محیط‌های فرهنگی مختلف که وارد می‌شود رنگ آن محیط را می‌گیرد. همان گونه که مارکسیسم و لنینیسم وقتی که وارد فضای سرزمینی چین می‌شود تبدیل به مائویسم چینی می‌گردد و به این ترتیب در واقع پیامها و کالاهای فرهنگی این تأثیر را از محیط می‌پذیرند. (بیداری اسلامی و حل یک معمای ۱۵۰ ساله، ابراهیم برزگر)

۲۳



شماره ۱۲

در دهه سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم و اشباع این پیامها در منطقه، بتدریج این پخش به جای تک مرکزی به چند مرکزی تغییر وضعیت داد. مراکز ثانویه پخش با اخذ پیامهای انقلاب اسلامی ایران از مجرای فیلتر ذهنی خود، آن را مطابق ارزشها و سنن دینی محیطی خویش سازگار می‌سازند و در واقع به بومی کردن آن می‌پردازند، به تعبیر دیگر، به نوعی قلب ماهیت مفهوم اصیل انقلاب اسلامی، بطور خودآگاه یا ناخودآگاه دست می‌زنند. بنابراین، مشاهده می‌شود که امروزه در تحولات جهان اسلام با بروز و ظهور سه مدل اسلام‌گرایی مواجه هستیم. ۱. مدل اسلام انقلابی ایران، ۲. مدل اسلام سلفی وهابی، ۳. مدل اسلام لیبرال ترکیه. کما اینکه تلاش برخی از دولتهای منطقه، نظیر عربستان، برای پخش پیامهای ثانویه انقلاب اسلامی، از کشور خود به سایر کشورهای اسلامی کاملاً روشن است، عربستان کوشید تا با ایجاد سازمان "رابطه العالم الاسلامی" به پخش امواجی رقیب امواج انقلاب اسلامی به محوریت ایران بپردازد. ایجاد این مرکز، دقیقاً بعد از انقلاب اسلامی ایران و به منظور ارائه بدیلی برای نوآوریهای ایرانی بود. این کشور کوشید تا بعنوان یک رقیب ایدئولوژیک، وهابیت را روزآمد کند و به صدور اسلام بنیادگرا بپردازد. بدین ترتیب کوشید تا هم از خود محافظت کند و هم به جای دفاع، به تهاجم فرهنگی دست زند و رهبری خود را بر جهان اسلام تضمین کند اما در مجموع حرکت‌های بیداری حاصل از این تفکر نه تنها تا به امروز به جریان اسلام‌گرایی کمک نکرده اند بلکه با اقدامات خشونت طلبانه خود از اسلام چهره‌ای خوشونت طلب به نمایش گذاشته اند. حرکت‌هایی با این مبنای فکری امروزه علاوه بر اینکه بعنوان چالشی در برابر دنیای غرب هستند به عاملی در جهت بدنام کردن

حرکت‌های بیداری اصیل اسلامی تبدیل شده اند. از سوی دیگر تحرکات ترکیه بعد از وقوع تحولات در منطقه برای ترغیب الگوی خود، نیز موید چند مرکزی شدن پخش می باشد. از آنجا که جریان اسلام خواهی به یک گزینه غیر قابل اجتناب در کشورهای در حال انقلاب خاورمیانه تبدیل شده است، غرب ترجیح می دهد مدل جایگزین را در احزاب و مجموعه هایی جستجو کند که ترکیبی از جریان اندیشه دینی و دموکراسی در قالبی غرب پسند ارایه دهد و تعامل قابل قبولی را با منافع غربی در خاورمیانه به نمایش بگذارند. از این رو بسیاری از سیاستمداران غربی انگشت اشاره خود برای معرفی نظام جایگزین در کشورهای اسلامی را به سوی ترکیه گرفته و نظام فعلی این کشور را مناسب معرفی می نمایند. اینها برای اثبات صحت نظریه خود به باقیمانده ظرفیت و رغبت ترکیه از عهد عثمانی برای الهام بخشی و رهبری جهان اسلام اشاره می کنند این عده از نظریه پردازان تاکید دارند که عدم مبادرت به معرفی جایگزین، آنها را مبتلا به حکومت‌های ناخواسته جدیدی مشابه حکومت ایران می نماید. نکته حائز اهمیت دیگر در مدل اسلام گرایی ترکیه نوع مواجهه آن با موضوع رژیم صهیونیستی است. ترکیه همواره از تبدیل گفتمان مبارزه علیه اسرائیل به مقاومت سازنده ومدارا و تحمل آن حمایت می کند و این برای غرب بسیار مطلوب است.

نتیجه گیری

پیشینه بیداری اسلامی در دوران معاصر به دهه های پیش از انقلاب اسلامی باز می گردد. اما این تنها انقلاب اسلامی ایران بود که توانست با احیای حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان در یک کشور پهناور، عمق و ابعاد بیداری اسلامی را فزونی بخشد و تا آنجا پیش رود که اصطلاح بیداری اسلامی را در فرهنگ سیاسی و بین المللی وارد نماید. الگو بودن والهام بخشی جمهوری اسلامی ایران برای بیداری اسلامی به دو عامل مهم وعمده بازمی گردد. نخست ارائه الگوی نظری مردم سالاری دینی در قالب قانون اساسی و ساخت سیاسی جمهوری اسلامی ایران که متکی به متن آموزه ها و ارزشهای اسلام [است که] نقش واقعی و قطعی به مردم در حاکمیت بر سرنوشت خویش می دهد و دیگری تداوم و تکامل این نظریه و نظام سیاسی با وجود مخالفتها و معارضتهای همه جانبه با آن... علاوه بر این، دست یافتن به پیشرفتهای فراوان و همه جانبه در طول دهه های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را که... در سایه نظام مردم سالاری دینی حاصل شده است را باید از موثرترین عوامل در شکل دهی به ذهنیت مثبت جهان اسلام نسبت به الگوی ایران اسلامی دانست. (اصغر افتخاری، بیداری اسلامی در نظر و عمل، ص ۱۳۲)

فروپاشی نظامهای عربی مزدور غرب و اسرائیل تمام منافع و برنامه های آمریکا را از بین برد. زیرا آمریکا در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی، سعی داشت از صدور انقلاب به کشورها و مناطق دیگر جلوگیری کند. با نگاهی گذرا به دولتهای مختلف آمریکا در این مدت می بینیم که این سیاست در تمام دوره ها مشترک بوده است. همه این دولتها اقداماتی سیاسی و اقتصادی و رسانه ای بر علیه جمهوری اسلامی ایران داشتند که بارزترین اقدام آنها تحریک رژیم صدام برای حمله به ایران بود. در نتیجه فروپاشی این دولتها، به معنای فروپاشی برنامه ها و توطئه های آمریکا است و ایالات متحده بخوبی می داند که از این پس هرگز اوضاع منطقه به دلخواه اسرائیل و لابی صهیونیستی نخواهد بود. (همان - ص ۲۵۴)

۲۵



شماره ۱۲

بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آن در خاورمیانه

وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به جلوی خود هم سو با منافع و مصالح اسلام و جنبشهای اسلامی و کاملاً به ضرر غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده، در صدد شکستن موانع غرب برای رسیدن به یک جامعه دین محور است. غرب بعنوان نماد جبهه لیبرالیسم در مرحله نهایی کارکرد سیاسی و مدیریتی اش قرار دارد و در نقطه اوج منحنی رشد خود، دوران افول را آغاز کرده است. به همین دلیل در موضع دفاع انفعالی قرار دارد اما نهضت بیداری در آغاز خیزش انقلابی، به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می کند، حرکتی که هرچه پیش می رود به چشم انداز آرمانی خود نزدیک می شود. به نظر می رسد صرف نظر از تلاشهای فشرده برخی نیروهای منطقه ای و فرا منطقه ای برای مهار خیزشهای مردم منطقه، محصول نهایی خیزشهای اخیر، خاورمیانه جدیدی خواهد بود که در مقایسه با گذشته، دموکراتیکتر، دارای ارزشهای اسلامی عمیقتر، مخالف با رژیم صهیونیستی، در تعامل مثبت با منطقه پیرامونی خود و دارای انگیزه ایجاد ائتلافهای جدید بومی - منطقه ای خواهد بود.

تحولات منطقه فضایی را بوجود آورد که در آن مدلهای مختلف سیاسی و ایدئولوژیک خود را به معرض نمایش گذاشتند و تمام تلاش خود را در مسیر جهت دهی به این تحولات در راستای منافع خود بکار بستند در یک نگاه کلی چهار مدل و الگوی سیاسی و ایدئولوژیک در منطقه قابل مشاهده است که در دهه های گذشته در حال رقابت با یکدیگر بوده اند. الگوی اول، به مدل سنتی معروف است و عربستان سعودی نماد آن است... الگوی دیگر مدلی است که انقلاب اسلامی به جهان عرضه کرده است... الگوی سوم نیز مدل اسلام اخوانی است که در حال حاضر ترکیه نماد آن است... مدل چهارم نیز که می توان مدل غربی آن را نامید... مطلوب و مورد حمایت غرب می باشد.

با شروع خیزش مردمی در جهان عرب و آغاز تحول در نظام‌های سیاسی در کشورهای عربی، این مدلها هر کدام به نحوی در مقابل آن موضع گرفتند. دو مدل از این چهار مدل در تقابل با تحولات موضع گرفتند. یعنی مدل سنتی و مدل غربی موافق تحولات در جهان عرب و منطقه خاورمیانه نبوده اند... از سوی دیگر دو الگوی ایرانی و ترکی، از تحولات جهان عرب استقبال کرده اند و به نظر می رسد این دو الگو برای جلب نظر کنشگران و حاملان تغییر در این کشورها در حال رقابت بوده اند... چنانچه اشاره شد کمال مطلوب غرب، مدل غربی است. اما از آنجا که این مدل در شرایط کنونی و با توجه به ویژگیهای جنبشهای اخیر در خاورمیانه امکان پیاده سازی ندارد، غرب راه حمایت از الگوی ترکی را در پیش گرفته است چرا که غرب دو الگوی دیگر را مخالف خواستها و ارزشهای خود می داند. غرب در درجه اول با جمهوری اسلامی مخالف است سپس با الگوی سنتی مخالفت دارد. با الگوی سکولار و غربی موافق است ولی چون نمی تواند به الگوی سکولار دست پیدا کند و الگوی ترکیه هم با الگوی سکولار مشابهت ها و نزدیکی های زیادی دارد در نتیجه از این الگو حمایت می کند. خصوصا این که در الگوی ترکی نگاه این است که دین در عرصه اجتماع فعال نباشد. (برنده خیزش های جهان عرب کیست؟ رقابت الگوها در منطقه، دیپلماسی ایرانی، ۹۱/۱/۱۱، حمیدرضا دهقانی پوده)

اما آنچه که مهم است اینست که هرغم تحرکات گسترده سران عرب و غرب برای سرکوب و یا انحراف قیامها وضعیت به گذشته باز نخواهد گشت و شرایط جدیدی بر منطقه حاکم می شود؛ شرایطی که بخش قابل توجهی از آنرا خواست و مطالبات مردمی تشکیل می دهد. [در این بین] با توجه به آنچه از نقش و جایگاه الگوی انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه ذکر شد و نگاهی که ملتهای منطقه به این الگوها دارند، استمرار شرایط کنونی و چشم انداز آینده تحولات از چند منظر قابل توجه است...

الف) آنچه مسلم است با دگرگونی در ساختار منطقه، برخلاف ادعاهای غرب، نه تنها ایران در انزوا قرار نمی گیرد بلکه شاهد توسعه مناسبات منطقه با جمهوری اسلامی خواهیم بود...

ب) تقویت جبهه مقاومت با الگوی ایران در برابر رژیم صهیونیستی و امریکا از دیگر پیامدهای این قیامها خواهد بود...

ج) تقویت جایگاه جهانی ایران و الزام جهانی برای پذیرش ظرفیتهای آن، از دیگر نتایج این تحولات است. چنانکه ناظران سیاسی تاکید دارند که غرب دیگر نمی تواند در منطقه و جهان، ایران را نادیده بگیرد و

باید اجبارا در مسیر تعامل و مذاکره با ایران گام بردارد... روند تحولات نشان می‌دهد که غرب و صهیونیستها برغم تمام تحرکاتشان برای مصادره قیامها نخواهند توانست همچون گذشته بر منطقه حکمرانی کرده و اهداف سلطه طلبانه خود را پیگیری نمایند. (نقش و جایگاه پیام های انقلاب اسلامی در بیداری خاورمیانه، اختصاصی بصیرت، ۹۰/۱۱/۱۵، قاسم غفوری)

د) قرارگرفتن رژیم صهیونیستی در وضعیت بحران موجودیت و بقا: ... این شرایط، رژیم اشغالگر قدس را در ضعیفترین حالت قرار داده و بحران موجودیت و بقا را برای آن رقم می‌زند. (نگاهی آینده‌پژوهانه به تحولات منطقه، وبلاگ آراء و آثار استاد رضا سراج ۸۹/۱۱/۲۱، رضا سراج)

در پایانگر تا همین جای کار هم بخواهیم ارزیابی کنیم، با اطمینان می‌توان گفت که خاورمیانه در حال شکل گیری، به معنای واقعی کلمه، دیگر آن «خاورمیانه جدید»، «خاورمیانه بزرگ» و خاورمیانه ای که صهیونیستهای حاکم بر آمریکا و اروپا خواب آن را دیده بودند، نیست. اکنون این «خاورمیانه اسلامی» است که در حال شکل گیری است، امروز دیگر این مردم مسلمان منطقه هستند که تعیین می‌کنند چه کسانی و چگونه بر آنها حکومت کنند. این بزرگترین دستاورد این انقلابها تا همین جای کار است.

منابع

کتاب

- . افتخاری، اصغر، بیداری اسلامی در نظر و عمل، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱
- . عباسی، روح اله، بازگشت به اسلام ماهیت بیداری، چاپ اول، تهران، نشر دفتر علم، ۱۳۹۱

مقالات

- . برزگر، ابراهیم، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۸، ۱۳۸۱
- . شیروودی، مرتضی، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های سیاسی معاصر، روزنامه کیهان، ۸۸/۱۱/۵

سایت ها

- . اختصاصی بصیرت-www.basirat.ir
- . پایگاه خبری تحلیلی اعتدال-www.etedaal.ir
- . پایگاه تحلیلی تبیینی برهان-www.borhan.ir
- . پایگاه مجلات تخصصی نور-www.noormags.com
- . خبرگزاری فارس
- . سایت باشگاه اندیشه-www.bashgah.net
- . سایت جام جم آنلاین
- . سایت دیپلماسی ایرانی-www.irdiplomacy.ir
- . وبلاگ آراء و آثار استاد رضا سراج-www.reza-seraj.blogfa.com
- . وبلاگ امتداد-www.alachighe-siyasat.blogfa.com
- . وبلاگ ظهور مهر-www.zohure-mehr.blogfa.com